

تری ایگلتون
کارکرد نقد
ترجمه‌ی مریم طرزی



کارکرد نقد

تری ایگلتون

کارکرد نقد

ترجمه‌ی

مریم طرزی



This is a Persian translation of
The Function of Criticism
By Terry Eagleton
London, Verso, 2005
Translated by Maryam Tarzi
Āgah Publishing House, Tehran, Iran, 2020

سرشناسه: ایگلتن، تری، ۱۹۴۳-م. / Eagleton, Terry /
عنوان و نام پدیدآور: کارکرد نقد / تری ایگلتن: ترجمه‌ی مریم طرزی.
مشخصات نشر: تهران: آگه، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری: ۱۲۶ ص: ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
شابک: 978-964-329-433-5
وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا
یادداشت: عنوان اصلی: The function of criticism, c2005.
یادداشت: کتاب حاضر با همین عنوان در سال ۱۳۹۸ توسط افراز با ترجمه سیف‌الله سلیمانی منتشر شده است.
موضوع: نقد -- تاریخ
موضوع: Criticism -- History
شناسه‌ی افزوده: طرزی، مریم، ۱۳۵۷-، مترجم
رده‌بندی کنگره: PN۸۶
رده‌بندی دیویی: ۸۰۱/۹
شماره کتابشناسی ملی: ۷۴۰۹۲۷۶



تری ایگلتن
کارکرد نقد

ترجمه‌ی مریم طرزی (حمیده اسمعیلی طرزی)
آماده‌سازی و صفحه‌آرایی: دفتر نشر آگه
ویراستار: الهام آقاباباگلی؛ بازخوانی: سیما حسن‌دخت
چاپ یکم: ۱۳۹۹
چاپ و صحافی: فرهنگ‌بان
شمارگان: ۵۵۰ نسخه
همه‌ی حقوق چاپ و نشر این کتاب برای نشر آگه محفوظ است

نشر آگه

تهران، خیابان بزرگمهر، تقاطع خیابان فلسطین، شماره‌ی ۲۲
تلفن دفتر نشر: ۶۶۹۷۴۸۸۴ و ۶۶۴۶۳۱۵۵
ایمیل: info@agahpub.com
اینستاگرام: @agahpub
فروش اینترنتی: agahpub.com

قیمت: ۲۸۰۰۰ تومان

به
توریل
عزیزترین دوستام

به آموزگاری بی دریغ
کاظم فیروزمند



پیش‌گفتار

شاید بهترین توصیف برای انگیزه‌ی نهفته در پس نگارش این کتاب تصور آن لحظه‌ای باشد که منتقدی پشت میزش نشسته و می‌خواهد به بررسی مضمون یا نویسنده‌ای پردازد که ناگهان چند پرسش برآشوبنده گریبان‌اش را می‌گیرد: مقصود از این بررسی چیست؟ مخاطب آن کیست، بر چه کسی می‌خواهد تأثیر بگذارد، و در که نفوذ کند؟ جامعه در کل چه نقش‌هایی برای چنین کنش انتقادی‌ای قائل است؟ منتقد در صورتی می‌تواند با اطمینان بنویسد که خود نهاد نقد امری بی‌مسئله پنداشته شود. وقتی این نهاد به‌جدّ زیر سؤال باشد، هر کنش انتقادی دشوار و نامطمئن می‌شود. این که چنین کنش‌هایی ظاهراً با همان اطمینان مرسوم ادامه دارند، بی‌تردید نشانه‌ی این است که بحران نهاد نقد یا به اندازه‌ی کافی مطرح نشده یا عملاً نشنیده گرفته شده است.

بحث این کتاب آن است که نقد، امروزه، فاقد نقش‌های اجتماعی اساسی خویش است: یا بخشی از شاخه‌ی روابط عمومی صنعت ادبیات است یا مسئله‌ای کاملاً درون‌دانشگاهی است. این که همیشه چنین نبوده است، این که حتا امروز نیازی نیست که چنین باشد، نکته‌ای است که می‌کوشم آن را با تاریخچه‌ای بسیار گزینشی از نهاد نقد در انگلستان از اوایل قرن هجدهم به بعد نشان دهم. مفهوم راهنمای این پژوهش کوتاه مفهوم «حوزه‌ی عمومی» است که نخستین بار یورگن هابرماس در اثرش دگرگونی ساختاری حوزه‌ی عمومی (۱۹۶۲)

مطرح کرد، اما اکنون معلوم شده است که به هیچ رو مفهومی بی مناقشه نیست: با تردید بین مدلی ایدئال و توصیفی تاریخی در نوسان است، با مشکل جدی دوره‌بندی تاریخی روبه‌روست و، در اثر خود هابرماس، سخت می‌توان آن را از نگرشی خاص در باب سوسیالیسم، که خود عمیقاً جای بحث دارد، جدا کرد. «حوزه‌ی عمومی» مفهومی است که زدودن دلالت‌های ضمنی آرمانی‌کننده و نوستالژیک از آن دشوار است؛ به نظر می‌رسد این مفهوم نیز، به‌مانند ایده‌ی «جامعه‌ی ارگانیک»، از همان دم که باب شد رو به فروپاشیدن بوده است. اما قصد ندارم در این جا وارد مجادلات نظری شوم؛ بلکه مایل‌ام، با انعطاف و با مغتنم‌شمردن فرصت، به ابعادی چند از این مفهوم بپردازم تا تاریخچه‌ای خاص را روشن سازم. بدیهی است که این پس‌نگری تاریخی به هیچ وجه از نظر سیاسی بی‌طرف نیست. به این معنا که این تاریخچه را راهی برای طرح این پرسش می‌دانم که نقد، ورای نقشِ مهمِ نقدِ فرهنگِ طبقه‌ی حاکم در درونِ آکادمی‌ها، چه کارکردهای اجتماعی مهمی را باید بار دیگر در عصر ما بر عهده بگیرد.

لازم می‌دانم به ویژه از پری اندرسن، جان برل، نیل بلشن، نورمن فِلِتس، توریل موی، فرانسیس ماله‌رن، گراهام پچی، و برنارد شارات تشکر کنم، که همگی کمک‌های بس ارزش‌مندی کردند. هم‌چنین سخت مدیونِ محبت و رفاقتِ تری کالیتس و دیوید بنت از دانشگاه ملبورن هستم که برخی از این ایده‌ها را نخست در مصاحبت با او آزمودم.

نقد مدرن اروپایی زائیده‌ی مبارزه با حکومت استبدادی بود. در آن رژیم سرکوب‌گر، بورژوازی اروپا در سده‌های هفدهم و هجدهم به جای احکام وحشیانه‌ی برخاسته از سیاستی خودکامه، رفته‌رفته برای خود عرصه‌ی گفتمانی متمایزی دست‌وپا می‌کند، عرصه‌ای برای قضاوت عقلانی و نقد روشن‌گر. این «حوزه‌ی عمومی»، که به قول یورگن هابرماس بین دولت و جامعه‌ی مدنی قرار گرفته است، حیطه‌ی نهادهای اجتماعی — باشگاه‌ها، روزنامه‌ها، قهوه‌خانه‌ها و مجله‌ها — را شکل می‌دهد که در آن مردم عادی برای گفت‌وگوی آزاد و برابر عقلانی گرد هم می‌آیند و بدین‌سان جمعی نسبتاً منسجم می‌شوند که شاید مراوده‌هاشان به‌صورت نیروی سیاسی قدرت‌مندی درآید.^۱ افکار عمومی آگاه و فرهیخته در برابر فرمایش‌های خودسرانه‌ی استبداد می‌ایستد؛ از قرار معلوم، آن‌چه به افراد حق حرف‌زدن و داوری‌کردن در فضای روشن حوزه‌ی عمومی را می‌دهد قدرت اجتماعی، امتیاز و سنت نیست، بلکه آن است که آنان تا چه حد از اجماع برخاسته از خرد همگانی برخوردارند و از این رهگذر به‌صورت سوژه‌های گفتمانی درآمده‌اند. هنجارهای چنین خردی، در عین این که به شیوه‌ی خود

۱. بنگرید به: Jürgen Habermas, *Strukturwandel der Öffentlichkeit*, Neuwied, 1962.